

شرح زندگی

جنین است ~~...~~ که ازین حوضه آمد باید بگویم که این کار برایم بسیار دشوار و زجر دهنده است.
 من از بابت دبیرستان در زادگاهم (اصفهان) در آنجا اولین مدرسه را کار کردم نخستین مجسمه اسلام
 و گلوله ها خود رو در آنجا ساختم تا آنکه ملی شدی سال ۱۹۴۴ انتساب یافت. در سال ۱۹۴۵ استقامت نهائی را
 برابر ورود به دانشگاه ادبیات در دانشگاه تهران دارم. سال ۱۹۴۸ نزد همسر به آذربایجان رفتم و در سایر
 سالهای سال همراه لویه اتحاد شوروی رفتم. در سال ۱۹۵۳ دانشگاه ۵ ساله ادبیات را در دانشگاه دولتی
 آذربایجان به پایان رساندم. از سال ۱۹۵۴ با همسر به سکو رفتم و در دانشگاه دولتی سکو به نام
 لامانوف دوره دکتر ادبیات را تا سال ۱۹۵۹ به پایان رساندم سال ۱۹۶۰ دانشنامه
 خود را درباره زندگی در آن ملک انجمن ادبیات ۴۰ تایی به نام
 ماگسم گورکی سفول کار کردم که تا حال همان کار را ادامه میدهم. ۵ مجسمه و شعرا و نثر آن آذری
 در آنجا منتشر شد. ۵ مجسمه به زبان آلمانی در آنجا چاپ شد. ۳ مجسمه ترجمه به زبان
 روسی و مجسمه «رنده رود» به زبان فارسی در آنجا چاپ شد. پروفسور به چاپ رسانده است.
 در زندگانی هم صبح کار در خود نگارگری انجام داده ام. هم همسر گرفته ام و معالمت آنها را تجربه کرده ام
 و این در ایران ممنوع القلم است. اما حقوق وطن همیشه در دلم شعله ور است.

زاده ۱۹۷۸

زاده

- سال ۱۹۱۰ به وطن بازگشتم
- سال ۱۹۱۱ مجسمه شوم بنام ابرو را قلم بردم در آنجا چاپ شد
- سال ۱۹۱۵ ابرو بی سکت مجسمه در در لندن انتشار یافت
- سال ۱۹۱۷ " در سنزبورگ مجدداً چاپ شد
- سال ۱۹۱۷ ارباب سرط مجسمه شوم در لندن منتشر شد